

کار درست و وجدان کاری در کلام رهبری

سرهم‌بندی و رفع تکلیف نکنید!

۱) وجدان کاری و وقت‌شناسی در یک جامعه، بسیار مهم است. مثلاً وقتی ساعت هشت با کسی قرار گذاشتیم، اینکه ۸:۱۰ یا ۸:۳۰ یا پیش از ظهر برویم، با اینکه سر ساعت ۸ آنجا حاضر شویم، یکی و تأثیرش یکسان است؟ وجدان کاری هم جزئی از فرهنگ عمومی است که بسیار پسندیده است.

وجدان کاری، یعنی افراد یک جامعه خود را در قبال آن کاری که پذیرفته‌اند متعهد بدانند و نوعی احساس وجدان نسبت به آن داشته



باشد و سرهم‌بندی و رفع تکلیف نکنند و آن کار را به صورت کامل انجام دهند. اینها از جمله خلیقات یک ملت است که تأثیرش در زندگی و سرنوشت آنها خیلی زیاد است.

۲) کسانی که اهل برنامه‌ریزی هستند، برای دمیدن دو روحیه وجدان کاری و انضباط اجتماعی در مردم برنامه‌ریزی کنند. کسانی که اهل کار و تلاشند این دو روحیه را در خودشان به وجود آورند. هر کسی این کار و تلاش را برای خود بکند. آن کسانی هم که به مردم تذکر می‌دهند و برای مردم تبلیغ می‌کنند، در این باره برای مردم حرف بزنند.

۳) در اسلام که کار، عبادت و ارزش شمرده شده است، لازمه‌اش این است که هر کس کاری را قبول کرد و تعهد نمود، آن را به بهترین وجه انجام دهد. این حرف، سر کلاس درس و پای خط تولید و داخل مزرعه و پای چرخ خیاطی و کار داخل خانه هم هست.

در هر نوع کاری که به این حساب، معلمی و تربیت و تعلیم هم یک کار است؛ آن هم یک کار بسیار ارزشمند اگر کننده کار، وجدان کاری داشته باشد، آن کار به بهترین شکل انجام خواهد یافت. این،

آن چیزی است که کلید مشکلات کشور است.

اگر شما فلان جنس را می‌خرید و به منزل می‌برید و مشاهده می‌کنید که بعد از مدت کوتاهی خراب شد و کاری که روی آن شده،

کار درستی نبوده است یعنی بی‌اعتمادی به کاری که انجام می‌شود در صورت وجود وجدان کاری، این دیگر بر خواهد افتاد. ۴) کاری کنیم که کار و عمل سازنده؛ چه عمل فرهنگی و چه عمل اقتصادی و چه عمل اجتماعی و چه عمل سیاسی، برای کسی که کننده آن است یک عمل مقدس به حساب آید. از یک کارگر ساده بگیریم، تا یک مأمور ساده اداری، تا یک مدیر عالی‌رتبه، تا یک صاحب صنعت مهم و بزرگ در کشور، تا یک مأمور عالی‌رتبه دولتی، تا یک معلم، تا یک دانشجو، تا یک مبلغ و روحانی، همه و همه احساس کنند این کاری که انجام می‌دهند یک عبادت و یک عمل خیر و صالح است. همه باید کارشان را با جدیت و به نیکی انجام دهند.

از نبی اکرم(ص) علیه نقل شده است که فرمود: «رحم‌الله امرأ عمل عملاً فاتقنه»، رحمت خدا بر انسانی که کاری را انجام دهد و آن را نیکو و محکم و منق و صحیح انجام دهد. از سرهم‌بندی و کار راه امان و حال خودرها کردن و به کار نپرداختن و بی‌اعتنایی به استحکام یک کار به شدت پرهیز شود.

هادی کمالی از اندوژ ولسا ولسیا



عده‌ای خود را وقف کار خیر می‌کنند. داریم پزشکان بیبشماری که در مناطق محروم عمل‌های سنگین جراحی انجام می‌دهند یا معلم‌هایی که کاملاً خودخواسته کودکان کم‌بضاعت را آموزش می‌دهند. یسا افرادی که دانش خود را رایگان در اختیار دیگران قرار می‌دهند. فرقی هم ندارد فوتبالی باشد، آموزش ریاضی باشد یا هنر صنایع دستی. مهم این است که با هدف خیر صورت می‌گیرد و با جان و دل انجام می‌شود. انجام‌دهندگان این سبک از کارهای خیر، چشمداشتی ندارند و وجدان و نوع‌دوستی را چاشنی کارشان می‌کنند



داد. شاید بشود همه این قابلیت‌ها را با هم به کار برد ولی قطعاً کیفیتش را از دست می‌دهد. درست مثل این است که از یک گوشی هوشمند توقع کیفیت دستگاه پخش و دوربین در حد عالی داشته‌باشند. شاید آپشن‌هایی که به شما ارائه می‌دهد جذاب‌تر باشد ولی لزوماً همه آنها بهترین نیست و روی کارکرد سایر قسمت‌ها تأثیر می‌گذارد.

فکر کنید یک موسیقیدان ماه‌ها و شاید یک سال تمام روی آلبوم جدیدش وقت می‌گذارد. بارها بازبینی می‌کند و عیوب کار را مرتفع می‌کند. وقتی خیلش که از کیفیت کار راحت شد، آن را روانه بازار می‌کند. حال آنکه چنین کارهایی می‌شود شاهکار هنری و همه‌پسند. در مقابل زیادند خرواندنهایی که می‌خواهند یک شبیه ر ه صد ساله طی کنند. به طرز عجیبی شبانه‌روز کار می‌کنند و در نهایت کاری ضعیف ارائه می‌دهند. به طن خودشان وقت زیادی گذاشته و کار زیادی کرده‌اند ولی در واقع آنها تمرکز کمتری به خرج داده‌اند و کیفیت را فدای سرعت کرده‌اند. یا داریم نویسنده‌هایی که می‌خواهند یک شبه جلال آل احمد بشوند. بازار کتاب پر از نویسنده‌هایی است که سالی چند کتاب منتشر می‌کنند و این یعنی نبود کار عمیق و متأسفانه هر روز بر آمار این افراد افزوده می‌شود. در بخشی از کتاب «کار عمیق» نوشته گل نیوپورت آمده است: «تأکید بر فراگیری بودن کار عمیق در بین افراد تأثیرگذار مهم است؛ زیرا این امر در

تقابل با رفتار دانش‌ورزان امروزی است که روز به روز از ارزش کار عمیق بیشتر غافل می‌شوند. دلیل کاهش انس و علاقه این دانش‌اموزان به کار عمیق بسیار واضح است؛ ابزارهای شبکه‌ای. همان ابزارهای گسترده ارائه خدمات آنلاینی مانند ایمیل و پیام، رسانه‌های اجتماعی مثل فیسبوک و سایت‌های سرگرمی _اطلاعاتی.

در مجموع ظهور این ابزارها و دسترسی فراگیر به آنها از طریق گوشی‌های هوشمند و کامپیوترهای متصل به اینترنت در محل کار، توجه و تمرکز دانش‌ورزان را منحرف کرده‌است. شرکت‌مگ‌کنزی در یکی از مطالعاتش در سال ۲۰۱۲ نشان داد که امروزه دانش‌ورزان به طور متوسط بیش از ۶۰درصد ساعات کاریشان را در ارتباطات الکترونیکی و گشت و گذار در اینترنت سپری می‌کنند و نزدیک به ۳۰درصد وقت آنها فقط صرف خواندن و پاسخ دادن به ایمیل‌ها می‌شود. این توجه نصفه و نیمه، با کار عمیق که نیازمند دوره‌های طولانی تفکر مداوم است سازگار نیست. در عین حال دانش‌ورزان مدرن در حال وقت‌گذرانی هم نیستند. در حقیقت آنها همیشه می‌گویند سرشان خیلی شلوغ است. چه چیزی این تناقض را توضیح می‌دهد؟ می‌توان از طریق کاری که تعریف آن نقطه مقابل ایده کار عمیق است، توضیحات زیادی در مورد این موضوع داد: کار کم‌عمق (سطحی): کارهای غیرشناختی و غیرمهارتی که اغلب نیاز به تمرکز کامل و حذف موارد حواس‌پرت‌کن ندارد.
این تلاش‌ها تکرارشان آسان است و اثر خلاقانه‌ای در جهان ایجاد نمی‌کنند. به عبارت دیگر دانش‌ورزان در عصر ابزارهای شبکه‌ای، به طور فزاینده‌ای کار کم عمق و سطحی را جایگزین کار عمیق می‌کنند. به طور مداوم در حال ارسال و دریافت پیام و ایمیل هستند و مانند روترهای شبکه انسانی‌ای عمل می‌کنند که به دلیل آسیب‌های سریع ناشی از حواس‌پرتی، با وقفه‌های مکرر مواجه می‌شوند. تلاش‌های مهم‌تری که باید به خوبی از تفکر عمیق بهره‌برند، مانند ایجاد یک استراتژی جدید کسب و کار یا نوشتن درخواست برای یک بورس تحصیلی مهم در اثر حواس‌پرتی به بخش‌های تکه‌تکه تقسیم و با کیفیت پایینی آن می‌کنند. شواهد فزاینده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد این حرکت به سوی کارهای کم عمق انتخابی نیست که بتوان به راحتی آن را معکوس کرد. در واقع شما زمان زیادی را در حالت کم عمقی و آشفته‌گی سپری می‌کنید و به این ترتیب توانایی‌تان برای انجام کارهای عمیق به طور دائم کاهش می‌یابد.

کار لذت‌بخش، مثل سازمان‌های مردم‌نهاد

این سبک کار لذت‌بخش است، زیرا با جان و دل انجام می‌شود؛بر حسب دغدغه و علاقه شکل می‌گیرد ولی تعهد مالی برای کسی ایجاد نمی‌کند. امروزه فعالیت‌سازمان‌های مردم‌نهاد شتاب بیشتری گرفته و بر برخی افراد در یک یا دو سازمان مردمی عضو هستند. این آرایش بر اساس علاقه شخصی موجب می‌شود همه در طول مسیر همسو باشند و به یک نقطه مشترک بپیوندند. اگر سازمان در هدف حفظ محیط زیست باشد، افراد در ایجاد خلاقیت و کارهای بیشتر رقابت می‌کنند. هدف تمام آنها حفظ لایه ازن است و کسی بر دیگری ارجحیت ندارد. اگر قرار است افراد سازمان مردم‌نهاد فکر فلامینگوهای دریاچه باشند، لازم نیست دست به اقدام اجباری بزنند یا اگر قرار است پشردوستانه در یک خیریه کار انجام دهند لازم نیست بر کسی منت بگذارند یا درخواست دستمزد کنند. فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در مسیر پیشبرد دغدغه‌های عدای خاص تدوین می‌شود. پس افرادی که با آگاهی کامل وارد این کارزار می‌شوند تمام شرایط آن را با جان و دل می‌پذیرند و از انجام کار خود لذت می‌برند.

کار عاشقانه برای خیریه‌ها

عده‌ای با پول صدقه می‌دهند و زکات مالشان را می‌پردازند ولی عده‌ای در عمل صدقه و زکات می‌دهند. عده‌ای خود را وقف کار خیر می‌کنند. داریم پزشکان بیبشماری که در مناطق محروم عمل‌های سنگین جراحی انجام می‌دهند یا معلم‌هایی که کاملاً خودخواسته کودکان کم‌بضاعت را آموزش می‌دهند. یا افرادی که دانش خود را رایگان در اختیار دیگران قرار می‌دهند. فرقی هم ندارد فوتبال باشد، آموزش ریاضی باشد یا هنر صنایع دستی. مهم این است که با هدف خیر صورت می‌گیرد و با جان و دل انجام می‌شود. انجام‌دهندگان این سبک از کارهای خیر، چشمداشتی ندارند و وجدان و نوع‌دوستی را چاشنی کارشان می‌کنند. این طیف از افراد معتقدند باید به جای سیر کردن شکم با ماهی به افراد ماهی‌گیری یاد داد تا خودشان بتوانند با حفظ عزت نفس و کرامات انسانی کسب درآمد کنند. امروزه پزشکان زیادی خدمات رایگان به نیازمندان ارائه می‌دهند و مهندسان حادثی در قالب گروه‌های جهادی به آبادی سرزمین ایران کمک می‌کنند. این دسته از افراد هم ملو از عشق هستند و هم دارای تخصص. مجموع آنها می‌شود یک کار درجه یک که ما نمونه‌اش را در سیل گلستان، زلزله کرمانشاه و دهها جای دیگر شاهد بودیم. یا جهاد خدمت‌رسانی که ما نمونه‌اش را بارها در همین صفحه می‌خوانیم. کار خیر، هم رضای پرودگار را جلب کرده و هم مردم را به بشردوستی و مهر و انسانیت امیدوار می‌کند.

واما کار عمیق!

کار عمیق کاری که هر کسی از پس آن برنمی‌آید. مخالف کار عمیق می‌شود، کار هردمیلیل یا بی‌نظم که هر کجا ممکن است رخ بدهد. بعضی‌ها کار را با جان و دل انجام می‌دهند. مهم‌ترین چیز برایشان کیفیت است. زمانی را که برای کار می‌گذرانند عمیق کار می‌کنند و حواسشان را با مسائل دیگر پرت نمی‌کنند. آنها شاید یک ساعت کار کنند ولی عمیق و کارگشاست و اغلب اختراعات و اتفاقات بزرگ را در همین کارهای عمیق شکل می‌دهند. یا کار سراسری و سلاهلگاری نمی‌شود کار بزرگ ارائه داد نمی‌شود هم کار هنری خلق کرده‌م فضای مجازی را مدام چک کرد و موسیقی همزمان گوش

ساخت و ساز داریم؟ بله! عده‌ای تخصص ساخت و ساز دارند، بی‌آنکه وجدان کاری یا مسئولیت اجتماعی را در کارشان دخیل بدانند. آنها متعهد می‌شوند در ازای مفاد مشخصی در قرارداد، ساختمان‌های چند طبقه را تحویل دهند. ما به کسی قول می‌دهیم آخر هفته لوله کشی خانه‌اش را انجام دهیم. چیزی که این وسط ما را مجبور به فعالیت می‌کند، تعهد ایجاد شده است. پس از این مدل نمی‌توان چندان امید کیفیت و خلاقیت داشت. در این‌طور کارها زمان مهم است.

یعنی شما کاری که قول داده‌اید و در ازای آن پولی هم در یافت نمی‌کنید لزومی ندارد کش بدهید. بهتر می‌دانید آن را سرهم‌بندی و از سر خودتان باز کنید. این مدل سرهم‌بندی‌ها بیشتر برای کارهایی است که شما را متعهد کرده است و به عنوان مثال به دوستان قول می‌دهید برایش خودروی ارزان قیمت پیدا کنید، ولی در واقعیت لزومی نمی‌بینید برایش وقت زیادی صرف کنید. در واقع مسود و منفعت دوست شما دردی از شما دو نمی‌کند. بسیاری از شغل‌ها باید برای استخدام در مناطق روستایی فعالیت کنند یا اگر معلم هستند تدریس کنند.

هر چند آنها اغلب افراد دلسوزی هستند ولی آنها به اجبار متعهد شده‌اند و کارشان با فداکاری و مهربانی فرق دارد. خیلی از کارمندا تعهد کاری دارند و طبق شرح وظایف کار می‌کنند. به همین دلیل در سازمان‌ها با افرادی مواجه هستیم که حاضر نیستند خارج از حیطه کاریشان قدمی برای دیگران بردارند. تمام سال در یک حوزه کار می‌کنند و اغلب نیازی به تغییر مسیر نمی‌بینند.



امروزه مهندسان حادثی در قالب گروه‌های جهادی به آبادی سرزمین ایران کمک می‌کنند. این دسته از افراد هم ملولو از عشق هستند و هم دارای تخصص. مجموع آنها می‌شود یک کار درجه یک که ما نمونه‌اش را در سیل گلستان، زلزله کرمانشاه و دهها جای دیگر شاهد بودیم. کار خیر، هم رضای پرور دگار را جلب می‌کند و هم مردم را به بشردوستی، مهر و انسانیت امیدوار می‌کند

■ مرصیه بامبری

امروزه پزشک‌های زیادی خدمات رایگان به نیازمندان ارائه می‌دهند و مهندسان حادثی در قالب گروه‌های جهادی به آبادی سرزمین ایران کمک می‌کنند. این دسته از افراد هم ملولو از عشق هستند و هم دارای تخصص. مجموع آنها می‌شود یک کار درجه یک که ما نمونه‌اش را در سیل گلستان، زلزله کرمانشاه و دهها جای دیگر شاهد بودیم؛ نمونه بارزی از کار برای رضای خدا و گر ه ششایی از خلق. بی‌تردید کار کردن راهی برای بقای بشر است، حتی جانسداران هم برای زندگی نیاز به تلاش و فعالیت دارند، ولی اینکه هر کس چه کاری و با چه میزان کیفیتی انجام بدهد، قابل تأمل و بررسی است. انگیزه هر کسی برای کار کردن متفاوت است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

کار کردن فقط برای دستمزد

این شایع‌ترین انگیزه کاری در هر مجموعه‌ای است. یعنی کار برای گرفتن دستمزد. نه علاقه‌ای در کار است و نه انگیزه‌ای. فقط کار می‌کنیم و عرق می‌ریزیم که در نهایت دستمزد کارمان را بگیریم و به زخم زندگی بی‌ترمیم. این بد نیست ولی برای کار با کیفیت کافی نیست. در این مدل فعالیت کیفیت خیلی حائز اهمیت نیست. افراد دوست دارند در بازه زمانی کمتری به بیشترین کارایی و در نتیجه دستمزد بیشتری برسند. بیایید با یک مثال شروع کنیم. دو کارگر را در نظر بگیریم. آنها قرار است در باغ شما کار و محصولات را برداشت کنند. روزمزد هستند با تأمین صبحانه و ناهار توسط شما. این افراد سر موعد مشخص سر کار می‌آیند. مدت زیادی را صرف صبحانه می‌کنند. مدام به ساعت نگاه می‌کنند کی وقت ناهار می‌شود. بعد هم جواب دادن به تلفن‌های غیر ضروری و... به محض اینکه عصر به‌های ساعت به پنج برسد، بی‌توجه به آنکه کار در چه مرحله‌ای است دست از کار می‌کشند و سمت کارفرما می‌روند. چنین شخصی برایش باغ مهم نیست. کیفیت محصول برداشت شده مهم نیست. او فقط به دستمزد می‌اندیشد و این قابل درک است. حالا بیایید این شرایط کارگر روزمزد را به کارگران واحدهای تولیدی تعمیم بدهیم. آنها کار می‌کنند برای دستمزد و هرگز اهداف شرکت برایشان مهم نیست. آنها یا طبق وزارت کار ساعت کاریشان را پر می‌کنند یا اگر تعداد کار تحویلی مهم باشد، انرژی‌شان را روی سرعت می‌گذارند و کیفیت را فدای کار بیشتر می‌کنند. در یک سازمان اگر کارکنان شرکتی کار می‌کنند نمی‌توان انتظار داشت به آن سازمان وفادار باشند یا در هر سطح سوادی که قرار دارند با جان و دل کار کنند. آنها هیچ وابستگی میلی ندارند و فقط به خاطر دستمزد کنار شما هستند. یا فکر کنید کارگرهای معدن یا افرادی که برای دستمزد باز یافت زباله‌ها را جمع‌آوری می‌کنند. آنهایی که هر روز سر چهارراه منتظر می‌مانند تا یخ با آنها با باشد و کسی آنها را برای کار پسندد. گاهی دیدهام برای جوان‌ترها ترزم می‌کنند. آنها هم قوی‌ترند و هم سرعت عملشان بالاتر است. ولی مسن‌ترها کند کار می‌کنند و به نفع کارفرما نیست. پس در هر مجموعه دولتی و غیر دولتی باید حساب افرادی را که در ازای دستمزد و فقط برای آن کار می‌کنند از دیگران جدا کرد. نمی‌شود از آنها توقع کار با کیفیت داشت، زیرا هدفشان با شما همسو نیست.

کار کردن بر اساس الزام و قرارداد

گاهی ما در مقابل کسانی با شرایطی متعهد می‌شویم کاری انجام بدهیم. نه پای علاقه در میان است و نه حس دلسوزی؛ فقط باید کار انجام شود. فکر کنید چرا این همه ساختمان نایمن داریم؟ چرا اینقدر تخلفات در

سبک زندگی

سبک زندگی۸۸۴۹۸۴۷۱

قصه زندگی



داستان‌هایی از کار و تلاش در سیره معصومین^(ع)

خدایی نیازت می‌کند اگر همت کنی

عصر پیامبر بود. یکی از اصحاب، از نظر معاش زندگی در فشار بسیار سختی قرار گرفت، همسرش به او گفت: «کاش به حضور پیامبر می‌رفتی و از او چیزی می‌خواستی.»

او به حضور پیامبر آمد، وقتی حضرت او را دید، فرمود: «هر کس از ما سؤال کند، به او عطا می‌کنیم و هر کس بی‌نیازی جویند، خداوند او را بی‌نیاز می‌سازد.»

صحابی با خود گفت: مقصود پیامبر از این سخن، جز من کسی نیست و به سوی همسرش باز گشت و سخن پیامبر را به او خبر داد.

زن گفت: رسول خدا بشر است (از حال تو اطلاع ندارد) نزد او برو و وضع خود را بیان کن.

صحابی، بار دیگر به حضور پیامبر آمد. در این هنگام نیز وقتی به پیامبر او را دید، همان جمله را تکرار کرد. این رفت‌وآمد سه بار تکرار شد.

سرانجام صحابی تصمیم گرفت دنبال کار برود. از خانه بیرون آمد و کلنگی از یک نفر عاریه گرفت و به طرف کوهستان رفت، مقداری هیزم جمع کرد و به مدینه آورد و آن را به پنج سیر آرد فروخت و آن ارد را به خانه برد و نان پخت و خورد.

فردای آن روز به کوهستان رفت و هیزم بیشتری فراهم کرد و به شهر آورد و فروخت کم‌کم از پس‌انداز کارش، یک کلنگ و کم‌کم از اندوخته‌اش دو شتر و یک غلام خرید؛ اینکه ثروتمند و بی‌نیاز شد.

آنگاه به حضور پیامبر آمد و ماجرای کار و درآمد خود را به عرض آن حضرت رساند و رفت‌وآمد قبل خود را به حضور پیامبر و جواب آن حضرت را یادآور شد.

پیامبر فرمود: «من که به تو گفتم هر کس از ما سؤال کند، به او عطا می‌کنیم و اگر از مای بی‌نیازی جوید، خداوند او را بی‌نیاز می‌کند.»

■ ■ ■

امام کاظم(ع) در زمینی که متعلق به شخص خودش بود، مشغول کار و اصلاح زمین بود. فعالیت زیاد، عرق امام را از تمام بدنش جاری ساخته بود.

علی بن ابی حمزه طاطانی در این وقت رسید و عرض کرد: «قربانت گردم، چرا این کار را به عهده دیگران نمی‌گذاری؟»

– «چرا به عهده دیگران بگذارم؟ افراد از من بهتر، همواره از این کارها می‌کرده‌اند»

– «مثلاً چه کسانی؟»

– «رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین علی(ع) و همه پدران و اجدادم.

اساساً کار و فعالیت در زمین از سنن پیامبران و اوصیای پیغمبران و بندگان شایسته خداوند است.»

■ ■ ■

علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) از خانه بیرون آمده بود و طبق معمول به طرف صحرا و باغستان‌ها – که با کار کردن در آنهاجا آشنا بود – می‌رفت. ضما باری نیز همراه داشت. شخصی پرسید: «یا علی! چه چیز همراه داری؟» – «درخت خرما، آن شاءالله» – «درخت خرما؟» – تعجب آن شخص وقتی زایل شد که بعد از مدتی، او و دیگران دیدند تمام هسته‌های خرما می که آن روز علی همراه می‌برد که کشت کند و آرزو داشت در آینده، هر یک درخت خرمای تنواری شود، به صورت یک نخلستان درآمد و تمام آن هسته‌ها سبز و هر کدام درختی شد.

■ ■ ■

کار گری به حضور امام صادق(ع) آمد و عرض کرد: «من نمی‌توانم با دست خود کار کنم و به تجارت و روش داد و ستد نیز آگاهی ندارم و سخت تهیدست و محتاج هستم.» امام صادق(ع) فرمود: «با سر خود کار کن (مثلاً چیزی بکشاورزی می‌کند. به گونه‌ای که فطرات عرق از دیوار آن را می‌ساخت.)

و ابوعمر و می‌گوید: امام صادق را دیدم که بیل در دست دارد و لباس خشن پوشیده و در باغی کار می‌کند. به گونه‌ای که فطرات عرق از رنج بکشد.»